

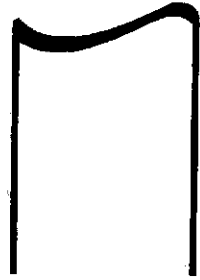
مصحف امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، همان کتاب نوربخش و هدایت‌گری است که از فراسوی «وحی» تراویده و از سرچشمه «وما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحیُ یُوحی» جوشیده و با زبان و بیان آخرین سفیر حق بر خلق برگوش جان انسانهای موحد، سروده شده و نسخه‌ای از آن، بر تارک اعصار درخشیده است.

مصحف امام علی علیه السلام همان قرآن مکرمی است که «ثقل اکبر» پیامبر صلی الله علیه و آله نامیده شد، چونان که امام علی و عترت مطهر او، «ثقل اصغر» خوانده شدند و پیوند بین آن دو، تا رستاخیز هستی، جاودانه و ناگسستنی رقم خورد.

محدثان و تاریخ‌شناسان علوم قرآنی و قرآن‌پژوهان، از مصحف امام علی علیه السلام با تواتر معنوی، سخن گفته‌اند. در میان پژوهشگران «علوم قرآنی» کمتر کسی را می‌توان یافت که از این «مصحف» سخن نگفته باشد. در تاریخ قرآن‌پژوهی کسی با دید شبهه و تردید، به آن نگاه نکرده است.

بسی مناسب نیست که خوانندگان را به دسته‌ای از منابعی که از آن یاد کرده‌اند، ارجاع دهیم:

برخی از مؤلفان و مورخان و مفسران اهل سنت که از آن مصحف نام برده‌اند، عبارتند از: «بلاذری در انساب الاشراف»، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ابن ابی داود در المصاحف، ص ۱۰؛ ابن ندیم در الفهرست، ص ۳۰؛ عبد الرزاق در المصنف، ج ۵، ص ۴۵؛ ابو نعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء، ج ۱،



مقاله‌های ویژه امام علی علیه السلام

مصحف امام علی علیه السلام

از منظر

قرآن پژوهان

سید محمد حسین موسوی مبلغ

حوزه علمیه مشهد

ص ۶۷؛ ابن سعد در طبقات، ج ۲، ص ۳۳۸؛ ابن ابی شیبہ در المصنّف، ج ۱، ص ۵۴۵، ابن جزّی در التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۴؛ حاکم نیشابوری در المستدرک، ج ۲، ص ۶۱۱؛ طیبالیسی در مسند، ص ۲۷۵؛ ابن عبدالبر در استیعاب (حاشیة الاصابه) ج ۲، ص ۲۵۳؛ بخاری در صحیح خود، کتاب علم، ۳۹ و کتاب جهاد، ۱۷۱ و کتاب جزیه، ۱۰؛ یعقوبی در تاریخ خود، ج ۲، ص ۱۵۴؛ ابن اشته در المصاحف به نقل از الاتقان؛ حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶ - ۲۸؛ عسکری در الاوائل، ج ۱، ص ۲۱۴؛ خوارزمی در المناقب، ص ۴۹؛ سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص، ص ۱۴۸؛ محب‌الدین طبری در الریاض النضرة، ج ۱، ص ۲۴۲؛ قندوزی در ینایع المودة، ج ۱، ص ۱۴۹؛ ابن ابی الحدید، در شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷؛ ابن حزم در الفصل، ص ۳؛ ابن کثیر در تفسیر خود، ج ۴، ص ۲۸ - ۲۹؛ متقی هندی در کنز العمال، ج ۲، ص ۳۷۳؛ ابن حجر هیتمی در الصواعق المحرقة، ص ۱۲۶؛ کاندهلوی در حیاة الصحابة، ج ۳، ص ۳۵۵؛ سیوطی در الاتقان، ج ۱، ص ۷۲ و ۷۵ و در تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۵؛ نویری در نهاية الأرب، ج ۵، ص ۱۰۴ و در تاریخ الشام، ج ۷، ص ۲۱۰؛ قسطلانی در ارشاد الساری، ج ۷، ص ۴۵۹؛ ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، ج ۹، ص ۱۰؛ عینی در عمدة القاری، ج ۲۰، ص ۱۶؛ ابن نظام الدّین انصاری در فواتح الرحموت (حاشیه المستصفی)، ج ۲، ص ۱۲؛ ابیاری در

تاریخ القرآن، ص ۸۴ و ۱۰۶؛ زرقانی در مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۴۷؛ عبدالصبور شاهین در تاریخ القرآن، ص ۷۱.

از عالمان شیعی نیز جمع بسیاری از مصحف حضرت علی سخن گفته‌اند، مانند: «شیخ مفید در الارشاد، ص ۳۶۵ و المسائل السرویه، ص ۷۹؛ شیخ صدوق در الاعتقادات، ص ۹۳ و کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۴؛ صفار قمی در بصائر الدرجات، ص ۱۹۳ - ۱۹۸؛ کلینی در کافی، ج ۱، ص ۱۷۸؛ طبرسی در الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۳ - ۲۲۸؛ ابن شهر آشوب در مناقب، ص ۴۰۲ و ۴۱ و در معالم العلماء، ص ۲؛ سیدبن طاووس در سعد السعود؛ فیض کاشانی در وافی، ج ۲، ص ۱۳۰ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و در المصححة الیضاء، ج ۲، ص ۲۶۴؛ مجلسی در بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۰ - ۷۷؛ بحرانی در تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶ و از معاصران نیز محدث قمی در سفینه البحار؛ سیدشرف‌الدین عاملی در المراجعات، ص ۴۱۱ و در مؤلفوالشیعه فی صدرالاسلام، ص ۱۳؛ سیدمحسن امین در اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۸۹؛ سیدحسن صدر در تأسیس الشیعه، ص ۳۱۶ - ۳۱۷؛ علامه طباطبائی در قرآن در اسلام، ص ۱۶۵؛ علامه فانی اصفهانی در آراء حول القرآن، ص ۹۷ - ۱۰۰؛ زنجانی در تاریخ القرآن، ص ۲۶ و ۴۴ - ۴۸ و ۶۴؛ علامه بلاغی در آلاء الرحمن، ص ۱۹؛ آیت الله خوئی در البیان، ص ۲۴۲ - ۲۴۳؛ استاد محمد هادی معرفت در التمهید، ج ۱، ص ۲۸۸ - ۲۹۶ و در

صيانة القرآن عن التحريف، ص ۲۱۱؛ سید جعفر مرتضی عاملی در حقایق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۵۳ - ۱۷۲، چنانکه در تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۵۱ و کتاب سلیم بن قیس، ص ۹۹، نیز از آن به شرح سخن گفته‌اند.»

بعضی از اظهارات و بیان اندیشه‌ها و باورهای صاحب نظران اسلامی و قرآن پژوهان را در حدی که درخور این نوشتار باشد در فصول مختلف این مقاله یاد خواهیم کرد.

تاریخچه گردآوری و کتابت مصحف امام علی علیه السلام

گرچه تاریخ دقیق گردآوری مصحف امام علی علیه السلام مشخص نیست، ولی از روایتهای گوناگون و پرشماری که از طریق شیعه و سنی با سندهای صحیح و معتبر به ما رسیده، چنین استنباط می‌شود که مصحف امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام همان قرآنی است که در زمان پیامبر در حین نزول آیات با دستور و املا پیامبر، آن حضرت می‌نوشت و آن نوشته‌ها تا هنگامه ارتحال جانگداز پیامبر بزرگوار اسلام نزد آن گرامی نگهداری می‌شد و در حین وفات، به علی علیه السلام سپرده شد تا آیات نوشته شده و پراکنده را به ترتیب اسباب نزول گردآوری نماید.

اینک برای روشن شدن این حقیقت به دسته‌ای از روایتهای شیعه و سنی روی می‌آوریم.

نخست پاره‌ای از روایتهای شیعه را یاد

می‌کنیم و آن‌گاه روایتهای اهل سنت را اندکی به تفصیل در این زمینه ارزیابی خواهیم کرد. علامه مجلسی از محدثان شیعه چنین گفته است:

«در اخبار ابی رافع است که پیامبر در مرض وفات خود، به علی فرمود: یا علی! این کتاب الهی است؛ پس بگیر در نزد خود. علی آن را در جامه‌ای پیچید و به خانه خود برد. چون پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت نمود، علی که آگاه به قرآن بود، در خانه خود نشست و آن را به ترتیب نزول جمع کرد.»^۱

سلیم بن قیس هلالی گوید:

«از علی شنیدم که می‌فرمود: آیه‌ای از قرآن بر پیامبر نازل نمی‌شد مگر این که بر من می‌خواند و املا می‌کرد و من با خط خود می‌نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ آن را به من می‌آموخت...»^۲

علامه مجلسی روایت کند:

«ابوالعطاء عطار و موفق خطیب خوارزم، در کتابهای خود به اسنادشان از علی بن ریاح ابی رایح] روایت کرده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله، علی را به تألیف قرآن مأمور ساخت. پس علی قرآن را گردآوری کرد و نوشت.»^۳

روایتهای یادشده، نشاندهنده این حقیقت

۱ - محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، بیروت، ج ۹۲.

ص ۵۱.

۲ - صدوق، کمال الدین، ص ۲۸۴، باب ۲۴، ح ۳۷.

۳ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۵۲.

است که آیات قرآن از لحظه نزول، توسط پیامبر ﷺ بر علی علیه السلام املا می شده و علی علیه السلام آن را می نوشته است.

شیروازی در نزول القرآن به نقل از ابن عباس می نویسد:

«خداوند به پیامبر تضمین داد که پس از او علی علیه السلام قرآن را گرد خواهد آورد. پس خدا قرآن را در سینه علی جای داد و علی پس از درگذشت پیامبر در مدت شش ماه آن را گرد آورد.»^۱

سخن در این موضوع را از دیدگاه محدثان شیعه با روایتی دیگر از علامه مجلسی به پایان می بریم:

«جبله بن سحیم از پدرش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود: اگر کرسی برای من گذاشته شود و حقم برای من معرفی شود، هرآینه قرآنی را [برای مسلمانان] برون می کنم که پیامبر بر من املا کرد و من با خط خود نوشتم.»^۲

از روایتهای گذشته، این حقیقت رخ می نماید که امیرمؤمنان علیه السلام در زمان پیامبر و با دستور آن حضرت هر آیه ای از قرآن را که نازل می شد، می نوشت. بنابراین می توان به این نتیجه رسید: قرآنی را که امیرمؤمنان بعد از رحلت پیامبر گردآوری نمود، قرآنی است که مجموعه آیات را با همه ویژگیها و امتیازات آن در زمان پیامبر نوشته بود و بعد از ارتحال جانگداز آن حضرت تنها آن نوشته ها را گردآوری و تنظیم نموده است. روایتهایی را که اکنون از سوی محدثان اهل سنت یاد می کنیم، مرحله دوم از تلاشهای

امام علی را در گردآوری مصحف شریف آن حضرت به تصویر می کشاند که بعد از ارتحال پیامبر آغاز گردید.

جلال الدین سیوطی در الاتقان روایتی را از ابوداود از ابن سیرین به شرح زیر یاد می کند:

«علی علیه السلام فرمود: چون پیامبر وفات کرد، من سوگند یاد کردم تا قرآن را جمع نکنم، جز برای نماز ردایم را بر دوش نیندازم و قرآن را جمع کردم.»^۳

همچنین جلال الدین سیوطی، روایت دیگری را از طریق دیگر نقل می کند:

«ابن ضریس در کتاب فضائل خود گوید: بشرین موسی به من روایت کرد: [گفت] هود بن خلیفه به من گفت: از عون شنیدم از محمد بن سیرین از عکرمه روایت کرد: چون دیگران با ابوبکر بیعت می کردند، علی در خانه خود نشسته بود. به ابوبکر گفتند: علی از بیعت تو کراهت دارد. پس کسی را نزد علی فرستاد و گفت: آیا از بیعت با من کراهت داری؟ گفت: کتاب الهی را دیدم که در آن افزوده می شود، پس سوگند یاد کردم که جز برای نماز، ردایم را نپوشم تا قرآن را جمع کنم. ابوبکر گفت: پس نیکو اندیشیده ای.»^۴

۱ - ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۰؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۵۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۵۱۰.

۳ - جلال الدین سیوطی، الاتقان، منشورات الشریف الرضی، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴ - همان.

محدث ابو عمر یوسف بن عبدالله از علمای بزرگ اهل سنت و جماعت نیز روایت یاد شده را در کتاب الاستیعاب با سلسله سند زیر نقل می‌کند:

«حَدَّثَنَا خَلْفُ بَن قَاسِمٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحِجَّاجِ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلِيمَانَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيَّةٍ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ السَّجِسْتَانِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ قَالَ لَمَّا بُوِيَعَ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِيقُ... أَبْطَأَ عَلِيٌّ عَنْ بَيْعَتِهِ وَجَلَسَ فِي بَيْتِهِ، فَبَعَثَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ مَا أَبْطَأَ بَكَ عَنِّي أَكْرَهْتُ أَمَارَتِي فَقَالَ عَلِيٌّ: مَا كَرِهْتُ أَمَارَتَكَ وَلَكِنِّي أَلَيْتُ أَنْ لَا أُرْتَدِيَ رَدَائِي إِلَّا إِلَى صَلَاةٍ حَتَّى أَجْمَعَ الْقُرْآنَ.

قال ابن سيرين فبلغني انه كتبه علي تنزيله و لو اصاب ذلك الكتاب لوجد فيه علم كثير.^۱
«خلف بن قاسم به من روایت کرد: عبدالله بن عمر به من گفت: احمد بن محمد بن حجاج به من روایت کرد، يحيى بن سليمان به من روایت کرد، اسماعيل بن عليه به من روایت کرد، ابو ايوب سجستاني از ابن سيرين روایت کرد و گفت: چون ابو بكر صديق از مردم بیعت گرفت... علی برای بیعت با وی حاضر نشد و در خانه خود نشست. ابو بكر قاصدي نزد علی فرستاد و پرسید: چه چیز تو را از بیعت با من روگردانید؟ آیا از امارت من کراهت داشتی؟ علی گفت: من از بیعت با تو کراهت ندارم، ولی من سوگند یاد کرده‌ام که جز برای نماز ردایم را بر دوش نیفکنم، تا این که قرآن را گردآوری کنم.»

ابن سيرين گوید: به من خبر داد که علی قرآن را به ترتیب نزول نوشت و اگر آن قرآن در مجامع مسلمانان حضور می‌داشت، علم زیادی در آن یافته می‌شد.»

و نیز محدث یاد شده روایت را با تغییری اندک و به طریق دیگر، نقل می‌کند:

«وذكر عبدالرزاق عن معمر عن ايوب عن عكرمة قال: لما بويع لابي بكر تخلف علي عن بيعته وجلس في بيته فلقية عمر فقال تحلقت عن بيعة ابي بكر، فقال اني آليت بيمين حين قبض رسول الله ﷺ ان لا ارتدى بردائي الا الى الصلاة المكتوبة؛ حتى أجمع القرآن، فأتى خشيث ان يتفلسف.»^۲

«عبدالرزاق، از معمر، از ايوب، از عكرمة روایت كند: چون مردم با ابو بكر بيعت كردند، علي از بيعت با وي بازماند و در خانه خود نشست. عمر با وي ملاقات كرد و گفت: از بيعت ابي بكر سرباز زدي. علي گفت: من حين وفات پیامبر سوگند یاد کردم که ردایم را جز برای نماز نپوشم، تا این که قرآن را گردآوری کنم؛ زیرا من بیم دارم از این که نابود شود.»

ابن سعد در طبقات الكبرى می‌نویسد:

«اخبرنا اسماعيل بن ابراهيم عن ايوب و ابن عون عن محمد قال: نُبِّئْتُ أَنَّ عَلِيًّا أَبْطَأَ عَنْ بَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ فَلَقِيَهُ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ: أَكْرَهْتُ أَمَارَتِي؟»

۱ - محدث ابو عمر، يوسف بن عبدالله، الاستيعاب بهامش الاصابة، ج ۲، ص ۲۵۳.

۲ - همان.

فقال: لا ولكنى أليثُ بيمين ان لا ارتدى بردائی
الآلى الصلاة حتى اجمع القرآن! قال: فزعموا انه
كتبه على تنزيلة.

قال محمد: فلو اصيب ذلك الكتاب كان فيه
علم.

قال ابن عون: فسألت عكرمة عن ذلك
الكتاب فلم يعرفه.^۱

«اسماعيل بن ابراهيم از ايوب از عون از
محمد به من روايت كرد و گفت: خير يافتيم كه
على از بيعت ابوبكر سرباز زد؛ پس ابوبكر با وى
ملاقات كرد و گفت: آيا از امارت من كراهت
دارى؟ على رضي الله عنه گفت: خير، ولى سوگند ياد كردم
كه ردابيم را جز براى نماز نپوشم، تا قرآن را
گردآوری كنم.

محمد گوید: اگر این قرآن موجود باشد،
علمها در آن هست.

ابن عون گوید: درباره آن كتاب از عكرمه
پرسيدم، چيزى نمى دانست.»

آنچه ياد شد، پاره‌اى از روايات دانشمندان
عامه در مورد بحث بود كه تنها به عنوان نمونه
ذكر شد. روايتهاى زيادى از طريق عامه در اين
باب رسيده است كه پرداختن به همه آنها، ما را از
مقصود اصلى بازخواهد داشت.

اما روايتهاى رسيده از طريق راويان شيعى در
اين زمينه بسيار فراوان است كه بجز روايتهاى ياد
شده پيشين به نقل يك روايت ديگر بسنده
مى كنيم:

طبرسى در احتجاج، روايتى را به شرح زير

نقل کرده است:

«چون على رضي الله عنه بسى وفايى مردم راديد، در
خانه خود نشست و به قرآن روآورد تا آن را
گردآوری كند. پس از خانه بيرون نيامد تا همه
قرآن را گردآورد و به ترتيب نزول آن نوشت...
آن‌گاه آن را در جامه‌اى پيچيد و مهر كرد.

سپس در محضر مردم حضور يافت، در
حالى كه مردم با ابوبكر در مسجد پيامبر صلى الله عليه وآله
اجتماع كرده بودند، و مردم را با آواز بلند
مخاطب قرار داده، فرمود: اى گروه مردم! از
نخستين لحظه وفات پيامبر من به تغسيل و
تكفين او مشغول بودم، آن‌گاه به قرآن روآوردم و
همه آن را گردآورده و در جامه‌اى پيچيدم.
خداوند هيچ آيه‌اى بر پيامبر نازل نكرد مگر اين
كه همه را در اين جامه گردآوری كرده‌ام و آيه‌اى
نازل نشد مگر اين كه پيامبر بر من قرائت مى كرد
و تاويل آن را بر من مى آموخت.»^۲

علامه مجلسى در كتاب بحارالانوار، مطالب
يادشده را به طرق گوناگون از شيعه و سنى نقل
مى كند.^۳

از مجموع روايتهاى يادشده از سوى شيعه و
سننى، آغاز كتابت قرآن توسط اميرمؤمنان
پوشيده نمى ماند؛ زيرا اين امر مهم همزمان با

۱ - ابن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲ - طبرسى، احتجاج، بيروت، مؤسسه اعلمى، ۱۴۰۱ ق،
ج ۱، ص ۸۲.

۳ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۵۲.

قرآن کریم، توسط امیرالمؤمنین علیه السلام از زمان نزول تا نخستین روزهای رحلت پیامبر، به تواتر معنوی ثابت شده؛ یعنی شیعه و سنی به طرق و اسناد مختلف، با عبارتهایی نزدیک به هم این مطلب را نقل کرده‌اند.

نخستین قرآن گردآوری شده در اسلام

با توجه به این حقیقت که قرآن گردآوری شده توسط امیرمؤمنان مورد اتفاق نظر صاحب‌نظران شیعه و سنی در گستره تاریخ اسلام و قرآن پژوهی می‌باشد، این پرسش رخ می‌نماید که پس از ظهور و رونق گرفتن آیین تابناک اسلام، نخستین کسی از مسلمانان که کتاب کامل نوشت کیست؟ و بنابراین پرسش دیگری این‌گونه مطرح می‌شود که نخستین کتابی که در اسلام گردآوری و نگارش گردید کدامین کتاب است؟

روایتهای پیشین به ضمیمه روایتهای پرشماری که از سوی شیعه و سنی در مبحثهای گوناگون این مقاله یاد می‌شود، سند زنده این حقیقت است که نخستین کتاب نگارش یافته در اسلام، قرآن است که آغاز نگارش آن با آغاز نزول وحی پیوسته است و پایان گردآوری آن اندکی پس از ارتحال جانگداز پیامبر بزرگوار اسلام است و نیز پاسخ به پرسش اول نیز پوشیده نخواهد بود و آن این که نخستین شخص در اسلام که کتاب کاملی را گردآوری و نگارش کرد، امیرمؤمنان علیه السلام بوده. اینک به عنوان نمونه، به پاره‌ای از روایتهای که از سوی صاحب‌نظران اسلامی

نزول قرآن آغاز گردید و هر آیه‌ای که بر پیامبر نازل می‌شد در همان زمان با همه ویژگیهای خود توسط علی علیه السلام نوشته می‌شد و هیچ تردیدی نیست که پایان نگارش قرآن از سوی امام علی همزمان با ارتحال پیامبر و انقطاع وحی بوده است. و نیز هرگز پوشیده نخواهد بود که شروع گردآوری آیات نوشته شده توسط امیرمؤمنان بعد از ارتحال پیامبر و حتی پیش از پایان یافتن مراسم سوگواری آن حضرت بوده، به گونه‌ای که امیرمؤمنان در حالی که عزادار بوده، به گردآوری قرآن پرداخته است.

جمع، کتابت و ترتیب قرآن کریم، توسط امیرالمؤمنین علیه السلام از زمان نزول تا نخستین روزهای رحلت پیامبر، به تواتر معنوی ثابت شده.

اما این مطلب که این گردآوری در چه مقطع تاریخی بعد از ارتحال پیامبر به پایان رسید، اندکی مبهم است.

در روایتهای گوناگون که در فصلهای مختلف این مبحث یاد خواهیم کرد، دیرترین زمانی که برای این گردآوری یاد شده، شش ماه پس از ارتحال پیامبر عنوان شده است و برخی از روایتهای سه ماه پس از ارتحال پیامبر را برای پایان این کار خیر داده‌اند.

نتیجه سخن این که: جمع، کتابت و ترتیب

در این زمینه یاد شده، اشاره می‌کنیم.

محمد بن اسحاق ندیم در کتاب الفهرست

گوید:

«ابن منادی گوید: حسن بن عباس برای من نقل کرد، که وی از عبدالرحمان بن ابی حماد، و او از حکم بن ظهیر سدوسی و او از عبدالخیر از علی رضی الله عنه شنیده است که در وقت رحلت پیغمبر در مردم حالت تشائم و بدبینی مشاهده کرد، از این جهت سوگند یاد نمود که جامه از تن برنگیرد مگر پس از جمع‌آوری قرآن، و به همین منظور سه روز در خانه نشست و به جمع‌آوری قرآن پرداخت و او اول کسی است که از حافظه خود قرآن را جمع کرد و آن قرآن در خاندان جعفر نگهداری شد. و من نزد ابویعلی حمزه حسنی رضی الله عنه قرآنی به خط علی بن ابی‌طالب دیدم که چند ورقی افتاده داشت و آن قرآن در خاندان حسن به توارث مانده بود و ترتیب سوره‌های آن چنین است...»^۱

ابن ابی‌الحدید معتزلی حنفی، دربارهٔ گردآوری قرآن توسط علی رضی الله عنه گوید:

«و اما قراءته القرآن و اشتغاله به فهو المنظور اليه في هذا الباب اتفق الكل على انه كان يحفظ القرآن على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم و لم يكن غيره يحفظه، ثم هو اول من جمعه، نقلوا كلهم انه تأخر عن بيعة ابى بكر، فاهل الحديث لا يقولون ما تقوله الشيعة من انه تأخر مخالفة للبيعة، بل يقولون: تشاغل بجمع القرآن، فهذا يدل على انه اول من جمع القرآن، لانه لو كان مجموعاً في

حياة رسول الله صلى الله عليه وسلم لما احتاج الى أن يتشاغل بجمعه بعد وفاته صلى الله عليه وسلم»^۲

«همه علمای اسلام، اتفاق نظر دارند که در زمان پیامبر صلى الله عليه وسلم علی تمام قرآن را حفظ کرد و غیر از او هیچ کس دیگر، همه قرآن را حفظ نکرد. آن‌گاه او نخستین کسی است که قرآن را گرد آورد. همه علمای می‌گویند: او در بیعت ابی‌بکر تأخیر کرد. محدثان به گفته‌های شیعه مبنی بر این‌که تأخیر وی به منظور مخالفت با ابوبکر بود، قائل نیستند، بلکه می‌گویند وی به گردآوری قرآن مشغول بود.

پس این دلالت می‌کند بر این‌که علی اولین کسی است که قرآن را گردآوری کرد؛ زیرا اگر قرآن در حیات پیامبر گردآوری شده بود، نیاز نبود که بعد از وفات آن حضرت به گردآوری قرآن مشغول شوند.»

ابن شهر آشوب از علمای بزرگ شیعه در قرن پنجم در معالم العلماء ضمن نقد سخن غزالی، مبنی بر این‌که اولین کتاب تصنیف شده در اسلام کدام کتاب بوده است، می‌گوید:

«بل الصحيح ان اول من صتف فيه امير المؤمنين علي رضي الله عنه جمع كتاب الله جل

۱ - محمد بن اسحاق ندیم، الفهرست، ترجمهٔ محمد رضا تجدد، چاپ سوم: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۴۷.

۲ - ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، ج ۱، ص ۲۷.

می ساختی؛ چه من بیمانکم که حاملان قرآن از میان بروند.

پس ابوبکر گفت: کاری کنم که پیامبر خدا نکرده است. لیکن عمر پیوسته به او اصرار ورزید، تا آن را فراهم ساخت و در برگهایی نوشت و پیش از آن در چوب خرما و جز آن پراکنده نوشته بود. ابوبکر بیست و پنج مرد از قریش و پنجاه مرد از انصار را نشانید و گفت:

قرآن را بنویسید و بر سعید بن عاص عرضه بدارید؛ چه او مردی است فصیح. برخی روایت کرده اند که علی بن ابی طالب پس از وفات پیامبر خدا آن را فراهم ساخت و بر شتری نهاده، آورد و گفت: «هذا القرآن قد جمعته»؛ «این قرآن است که آن را فراهم ساخته ام» و آن را به هفت جزء بخش کرده بود: جزء اول: بقره، سوره یوسف، عنکبوت، روم، لقمان، حم سجده، ذاریات، هل اتی علی الانسان، الم تنزیل، سجده، نازعات، اذا الشمس کورت، اذا السماء انفطرت، اذا السماء انشقت، سبح اسم ربک الاعلیٰ، و لم یکن. این بود جزء بقره که هشتصد و هشتاد و شش آیه و پانزده سوره است.

جزء دوم: آل عمران، هود، حج، حجر، احزاب، دخان، رحمان، حاقه، سأل سائل، عبس، والشمس وضحاها، انا انزلناه، اذا زلزلت، ویل لكل همزة لمزة، الم تر، ولایلاف. این است جزء آل عمران که هشتصد و هشتاد و شش آیه و

بلکه درست این است که اولین کس در اسلام که کتاب تصنیف کرد، علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین است که کتاب الهی جلّ جلاله را گردآوری کرد. نتیجه این که: نخستین کسی که قرآن را گردآوری کرد، علی بود و نخستین کسی که در اسلام، کتاب تصنیف کرد نیز علی بود.

ترتیب مصحف امام علی علیه السلام

یکی از پرسشهایی که هم اکنون مطرح می شود این است: امیرمؤمنان مصحف خود را با چه ترتیبی گردآورد؟ آیا مصحف علی به ترتیب قرآن کنونی که در زمان خلیفه سوم زیر نظر امیرمؤمنان گردآوری گردید و اکنون نزد مسلمانان موجود است، مرتب گردید؟ یا به ترتیب نزول، یا این که به گونه ای دیگر گردآوری و مرتب شد؟

پاسخ به این پرسش به تحقیق و کندوکاو بیشتری نیازمند است؛ زیرا بر خلاف روایتهای متواتری که در این زمینه نقل می کنیم، روایتهای مختلف دیگر نیز وارد شده است.

احمد بن ابی یعقوب معروف به یعقوبی در کتاب تاریخ خودش مصحف علی علیه السلام را به شرح زیر یاد کرده است:

«عمر بن خطاب به ابوبکر گفت: ای جانشین پیامبر خدا، راستی که قاریان قرآن بیشترشان در روز یمامه کشته شدند، پس کاش قرآن را فراهم

۱- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، تهران ۱۳۵۲، ص ۱.

شانزده سوره است.

طلاق، مطفقين، و معوذتين. اين است جزء انفال که هشتصد و هشتاد و شش آيه و پانزده سوره است. و بعضی گفته اند که علی گفت:

«نزل القرآن على اربعة ارباع: ربع فينا و ربع في عدونا، و ربع امثال و ربع محکم و متشابه.»^۱
«قرآن به چهاربخش نازل شد، ربعی درباره ما و ربعی درباره دشمنان ما و ربعی مثلها و ربعی محکم و متشابه.»

به روايت ابن ندیم، ابن منادی به اسناد خود، در روايتی از عبدالخير، مصحف علی عليه السلام را یاد می کند و بر این حقیقت تکیه می کند که اولین قرآنی که در اسلام گردآوری شد، قرآن علی عليه السلام است. سپس ابن منادی خود چنین می گوید:

«من در زمان خودم در نزد ابویعلی حمزّه حسنی عليه السلام قرآنی را به خط علی بن ابی طالب عليه السلام دیدم که چند ورق از آن حذف شده بود به مرور زمان، فرزندان حسن آن را به ارث بردند و ترتیب سوره های آن قرآن این است...»^۲
سپس ابن منادی از ذکر ترتیب سوره ها خودداری و ادامه آن را ساقط کرده است، ولی ابو عبدالله زنجانی در کتاب تاریخ القرآن در وجه افتادگی ترتیب سوره ها در روايت ابن منادی چنین می گوید:

«ترتیب سوره ها، از اصل نسخه مطبوعه

جزء سوم: نساء، نحل، مؤمنون، يس، حمعسق، واقعه، تبارك الملك، يا ايها المدثر، ارايت، تبت، قل هو الله احد، عصر، قارعه، والسماء ذات البروج، والتين والزيتون، وطس، نمل. اين است جزء نساء که هشتصد و هشتاد و شش آيه و شانزده سوره است.

جزء چهارم: مائده، يونس، مريم، طس، شعرا، زخرف، حجرات، ق و القرآن المجيد، اقربت الساعة، ممتحنه، والسماء والطارق، لا اقسام بهذا البلد، الم نشرح لك، عاديات، انا اعطيناك الكوثر، قل يا ايها الكافرون. اين است جزء مائده که هشتصد و هشتاد و شش آيه و پانزده سوره است.

جزء پنجم: انعام، سبحان، اقرب، فرقان، موسى و فرعون، حم مؤمنون، مجادله، حشر، جمعه، منافقون، ن و القلم، انا ارسلنا نوحاً، قل اوحى اليّ، والمرسلات، والضحى، و الهكم. اين است جزء انعام که هشتصد و هشتاد و شش آيه و شانزده سوره است.

جزء ششم: اعراف، ابراهيم، كهف، نور، ص، زمر شريعت، الذين كفروا، حديد، مؤمل، لا اقسام بيوم القيامة، عم يتساءلون، غاشيه، فجر، والليل اذا يغشى، و اذا جاء نصر الله. اين است جزء اعراف که هشتصد و هشتاد و شش آيه و شانزده سوره است.

جزء هفتم: انفال، براءه، طه، ملائكه، صافات، احقاف، فتح، طور، نجم، صف، تغابن،

۱ - احمد بن ابی يعقوب يعقوبی، تاريخ يعقوبی، ترجمه ابراهيم آیتی، چاپ پنجم: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۵.
۲ - الفهرست، ص ۴۷.

(لیپزیک) در سال ۱۸۷۱ - ۱۸۷۲ ساقط شده است، ولی یعقوبی در جزء دوم تاریخ خود [به نام تاریخ یعقوبی] چاپ سال ۱۸۸۳، ص ۱۵۲ - ۱۵۳ ترتیب سوره‌ها را ذکر کرده است.^۱ آن‌گاه زنجانی نیز همان ترتیبی را که ما از کتاب تاریخ یعقوبی یاد کردیم، در کتاب تاریخ قرآن و به نقل از همین منبع آورده است.^۲ با آنچه یاد شد، این پرسش رخ می‌نماید که آیا ترتیب عنوان شده برای مصحف امام علی علیه السلام از سوی یعقوبی و ابن منادی و ابو عبدالله زنجانی درست و پذیرفتنی است، یا خیر؟ بلکه برای یافتن ترتیب صحیح، تکاپوی بیشتری لازم است؟

پر واضح است که این روایت هرگز نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا این روایت فاقد سند است و روایت فاقد سند اعتباری ندارد. گذشته از این، روایت یاد شده از ترتیب مصحف امام علی علیه السلام سخن نمی‌گوید، بلکه در آن از قرآنی سخن به میان آمده که نزد ابویعلی حمزه حسنی موجود بوده و به خانواده امام مجتبی حسنی بن علی علیه السلام به ارث رسیده و به این ترتیب تنظیم شده است. با این‌که فرقه‌های مختلف شیعه اعتقاد دارند که وارث علم و امامت و کتابهای امیرمؤمنان فرزندان معصومی از تبار امام حسین است نه فرزندان امام مجتبی که بعد از خود آن حضرت هیچ فرزندی از ایشان به امامت نرسید، پس چگونه ممکن است که مصحف امام علی علیه السلام نزد فرزندان امام حسن به ارث بماند؟

گذشته از آن، با روایت‌های متواتر در یکی از فصلهای بعد به اثبات خواهیم رساند که آن قرآن نزد فرزندان امام حسین علیه السلام نگهداری می‌شود و در نهایت به دست مهدی موعود آخرین امام از فرزندان حسین بن علی علیه السلام می‌رسد و آن حضرت پس از ظهور خود، مردم را در اطراف آن قرآن گردمی‌آورد؛ پس این نتیجه به دست می‌آید که قرآنی را که یعقوبی و زنجانی و ابن منادی نزد ابویعلی حمزه حسنی دیده‌اند، مصحف معروف امام علی که ما اکنون درصدد شناخت آن هستیم، نیست. بر فرض درستی روایت یاد شده شاید نزد فرزندان حسن قرآن دیگری باشد که با خط امیرمؤمنان نگارش یافته است.

در باور بیشتر قرآن‌پژوهان اسلامی و با اتفاق نظر محققان شیعه، قرآن علی که اکنون مورد بحث ما می‌باشد، به «ترتیب نزول سوره‌ها» گردآوری شده است.

روایتی در حد تواتر، از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید: من قرآن را به ترتیب نزول آن، گردآوردم؛ چنان که دیدیم این روایت، با عبارات مختلف و از طرق متعدد، در لابلای مباحث گذشته یاد شد.

روایت‌های دیگری به طرق و اسانید گوناگون، از علمای بزرگ عامه و خاصه به عناوین و عبارتهای متفاوت نقل شده که مفاد همه آنها این است: قرآن گردآوری شده توسط علی علیه السلام به

۱ - ابو عبدالله زنجانی، تاریخ القرآن، ص ۷۶.

۲ - همان.

ترتیب نزول، جمع شده است. بعضی از این رواینها، به طور صریح مطلب یاد شده را بیان می‌کند و برخی دیگر، به صورت ضمنی از آن سخن گفته‌اند.

در این جا به ذکر سه روایت از طریق عامه و یک روایت از طریق خاصه بسنده می‌کنیم:

سیوطی در الاثقان به نقل از ابن حجر گوید: «قال ابن حجر: وقد ورد علی أنه جمع القرآن حلی ترتیب النزول عقب موت النبی ﷺ اخرجہ ابن ابی داود.»^۱

«ابن حجر گوید، روایت شده که علی بعد از فوت پیامبر ﷺ قرآن را به ترتیب نزول گردآوری کرد. این روایت را ابن ابی داود نقل کرده است.» ابن سعد در طبقات الکبری در روایت مستندی از محمد گوید:

«همه مسلمانان را اعتقاد بر این بود که علی ﷺ قرآن را به ترتیب نزول آن، نوشته است.»^۲

محدث ابو عمر یوسف بن عبدالله در کتاب الاستیعاب در روایت مستندی از ابن سیرین گوید: «علی قرآن را به ترتیب نزول آن نوشت.»^۳

آنچه تاکنون نقل شده، روایتی است که از طریق عامه در این مورد وارد شده است، اما روایتهای خاصه در این باب فراوان است که به عنوان نمونه، به یک روایت که از سه منبع با طریق و سلسله سند واحد به ما رسیده است، اشاره می‌کنیم:

محمد بن حسن صفار در کتاب

بصائر الدرجات گوید:

«حدثنا احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن عمرو بن ابی المقدم عن جابر قال سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول: ما من احد من الناس يقول ان جمع القرآن كله كما انزل الله الاكذاب وما جمعه وما حفظه كما انزل الله الا علي بن ابی طالب عليه السلام والائمة من بعده.»^۴

«احمد بن محمد از حسن بن محبوب از عمرو بن ابی المقدم از جابر روایت کند که گفت: شنیدم امام باقر عليه السلام می‌فرمود: هر کس بگوید قرآن را آن طور که خداوند نازل کرده است من گردآوری کرده‌ام، دروغ‌گوست، قرآن را جز علی بن ابی طالب و ائمه پس از او هیچ کس دیگر به ترتیب نزول، حفظ و گردآوری نکرده است.»

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی و سیدهاشم بحرانی در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن نیز روایت یاد شده را با همان سند نقل کرده‌اند و این روایت در همه کتابها هیچ تفاوتی در سند و عبارت ندارد.^۵

مفاد همه این روایتهای این است که قرآن علی عليه السلام به ترتیب نزول، گردآوری شده است.

۱- الاثقان، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲- طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸.

۳- الاستیعاب، حاشیه الاصابه، ج ۲، ص ۲۵۲.

۴- محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۵- کلینی، اصول کافی، چاپ سوم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵.

از مجموعه روایتهای پادشده کمترین تردیدی باقی نمی ماند که مصحف امیرمؤمنان به ترتیب نزول گردآوری شده است؛ زیرا روایتهایی که این ترتیب را عنوان کرده اند هم از تواتر برخوردارند و هم از سلسله سند صحیح و هم با اعتقاد شیعه همسویند و تاریخ نزول قرآن و حوادث همراه با آن نیز این حقیقت را تأیید و تثبیت می کند؛ زیرا در روایتهای پرشماری ما به اثبات رساندیم که امیرمؤمنان هر آیه ای از قرآن را در هر مقطع تاریخ که بر پیامبر نازل می شد به دستور آن گرامی و املائی او می نوشت. پس مناسب است که علی قرآن را پس از ارتحال پیامبر به همان ترتیب نزول گردآوری کرده باشد. با نگرش به ترتیبی که برای قرآن امام علی علیه السلام با اتکا به روایتهای متواتر برگزیدیم، این حقیقت آشکار می گردد که ترتیب آن مصحف با ترتیب قرآن موجود که مورد قبول همه مسلمانان می باشد، مغایر است. اکنون این پرسش مطرح می شود که آیا ترتیب قرآن با اشاره پیامبر و در نتیجه از سوی خداوند تعیین شده، یا مسلمانان و صحابه با سلیقه خود قرآن را ترتیب داده اند؟ اگر ترتیب قرآن با سلیقه مسلمانان صورت گرفته باشد، طبیعی است که اعتماد شایان توجهی به ترتیب قرآن نمی توان نمود. و اگر ترتیب قرآن کنونی توقیفی و از سوی خداوند باشد، در این صورت ترتیب مصحف امام علی که مغایر با این ترتیب است، چه جایگاهی خواهد داشت؟ اظهار نظر درباره این مطلب به تکاپوی بیشتر

نیازمند است که در این نوشتار، مجال پرداختن به آن نیست؛ اما آنچه به گونه اجمال می توان به آن اشاره کرد، این است: از روایتهای متواتر و دیدگاههای قرآن پژوهان این گونه استفاده می شود که ترتیب آیات قرآن توقیفی و با اشاره پیامبر گرامی انجام شده، ولی در ترتیب سوره ها و جزءها چنین الزامی از سوی خدا و پیامبر برای مسلمانان نبوده است. بنابراین، ترتیب آیات هم در قرآن کنونی به گونه ای که پیامبر می طلبید رعایت شده و هم در مصحف امام علی علیه السلام. اما ترتیب سوره ها هرگز توقیفی نبوده است؛ از این رو اگر سوره ها و جزءها به گونه ای غیر از این مرتب گردد اشکالی پدید نخواهد آمد.

بجز روایتهایی که در این باب وارد شده، ترتیب هر یک از مصحفهایی که از صحابه پیامبر نقل شده، سند زنده این حقیقت است. قرآن پژوهان و تاریخ نویسان اسلامی برای هر یک از فرهیختگان عصر پیامبر، چون عبدالله بن عباس و ابن مسعود و ابی بن کعب و عایشه و... مصحفهایی را خاطر نشان می سازند که در ترتیب جزءها و سوره ها، هر یک با دیگری اختلاف داشته اند، با این که بسیاری از صاحبان آن مصاحف از کاتبان وحی و نویسندگان آیات در زمان پیامبر بوده اند.

گذشته از اینها امیرمؤمنان هم مصحف خویش را با املا و دستور پیامبر تدوین می کرد و هم بر گردآوری قرآن کنونی نظارت داشت و به اجماع صاحب نظران اسلامی پس از پیامبر او

داناترین فرد به قرآن بود. پس چگونه ممکن است که مصحف گردآوری شده توسط آن امام یا قرآن کنونی که نیز زیر نظر آن حضرت جمع شد، برخلاف رضای خداوند تدوین گردد.

نتیجه این که توقیفی بودن ترتیب قرآن در آیات است که نه تنها علی علیه السلام، بلکه همه صحابه به رعایت آن ملزم بوده‌اند، اما ترتیب سوره‌ها و جزءها توقیفی نیست، تا اشکال مطرح شده بدون پاسخ بماند.

ویژگیهای مصحف امام علی علیه السلام

بیشتر قرآن‌پژوهان بر این باورند که پس از ارتحال جانگداز پیامبر بزرگوار اسلام، قرآن کریم توسط «خلقا» در دو نوبت تدوین گردید:

نوبت اول: در عهد خلافت ابوبکر بود که با پیشنهاد عمر بن خطاب و دستور شخص خلیفه، زید بن ثابت قرآن کریم را گردآوری کرد.

بار دیگر: در زمان خلافت عثمان، قرآن گردآوری شد. تدوین قرآن کریم در نوبت دوم با پیشنهاد خلیفه زیر نظر امیرمؤمنان و با شرکت تنی چند از صحابه پیامبر و مقابله چند نسخه که در نزد صحابه موجود بود، انجام شد.

به گفته محققان از مصحفی که در زمان خلیفه سوم گردآوری گردید، نسخه‌های پرشماری نگارش یافته و به شهرها و مناطق گوناگون کشور اسلامی فرستاده شد.

ابو عبدالله زنجانی در کتاب تاریخ قرآن می‌نویسد:

«عثمان قرآن را به رأی مولا امیرالمؤمنین علیه السلام جمع کرد و مصاحف ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود و سالم مولای ابی خدیفه را در نزد خود جمع کرد. آن گاه [بر اساس مصاحف یادشده] مصحفی برای خود نوشت و مصحفی برای اهل مدینه و مصحفی برای اهل کوفه و مصحفی برای اهل مکه و مصحفی برای اهل شام و... نوشت.»^۱

مصحف گردآوری شده در زمان عثمان همین قرآن و مصحفی است که امروز در دست امت اسلامی موجود است و همه فرق و مذاهب اسلامی، به اجماع آن را قبول دارند و همه را اعتقاد براین است که کمترین تحریفی در آن راه نیافته است؛ چنان که خود از تحریف ناپذیری خویش خبر می‌دهد:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابًا عَزِيزًا. لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت / ۴۱ - ۴۲)

و دیگر صحابه چون ابی بن کعب و عبدالله ابن مسعود و ابن عباس، که از دیگران آگاهی بیشتری به قرآن داشتند، نیز هر یک مصاحفی را گردآوری و مرتب کردند.

از آنچه یادشد، اجمالاً این حقیقت آشکار می‌گردد که قرآن موجود که زیر نظر امیرمؤمنان گردآوری شده، بی‌کم و کاست کتاب خداوند است و کمترین «غل» و «غش» و «کمی» و

۱ - ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۷۴، به نقل از: سلیمان بن طاووس.

با اصل قرآن کریم، همراه داشته باشد.

۲ - نص آیه‌ها در مصحف امیرمؤمنان بدون کمترین تغییر و با همان ویژگی آسمانی آن به دقت ضبط شده و به علاوه چگونگی قرائت هر آیه، حرف به حرف آن‌گونه که شخص رسول خدا انجام می‌داد، در آن ثبت شده است.

۳ - به گفته بسیاری از قرآن‌پژوهان، عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و عزیمتها و رخصتها و سنن و آداب در آن آمده است و چون به ترتیب نزول گردآوری شده، آیات نسخ شده در آن پیش از آیات نسخ‌کننده قرار داده شده است.

۴ - آیات مصحف امام علی علیه السلام چونان که یاد شد، با املائی پیامبر خدا و دستخط مبارک امیرمؤمنان نگارش یافته بود و این خود از امتیازات ویژه این مصحف شمرده می‌شود؛ زیرا مصحفی که به یقین از سوی پیامبر خدا املا شده باشد و علی علیه السلام آن را بنویسد، خود در جلب یقین امت اسلامی تأثیر بسزایی دارد.

۵ - تفسیر آیه‌ها که از سوی خداوند همراه با آن نازل شده بود، در آن مصحف ثبت شده است. این نکته را حقیقت تنزیل نامیده‌اند.

افزون بر این، تأویل آیات (مجرای عام آیات) نیز در این مصحف به گونه تفصیلی یادآوری شده است.

۶ - خصوصیات تنزیل آیه‌ها مانند مناسبت نزول و زمان نزول و مکان نزول و کسانی که از آیه مقصود بوده‌اند، در آن یاد شده است.

زیادی در آن نیست. حال این پرسش رخ می‌نماید: ویژگی و امتیاز مصحف امام علی علیه السلام چه بوده است؟ اکنون که ما قرآن جامع و دور از کمی و کاستی را در اختیار داریم، نیاز امت اسلامی به مصحف علی علیه السلام چگونه و از چه جنبه‌های آن خواهد بود؟ به دیگر سخن، مصحف امیرمؤمنان از چه ویژگی و امتیاز دیگری که قرآن موجود از آن بهره‌مند نباشد، برخوردار می‌باشد؟

پاسخ به این پرسش بر هیچ یک از قرآن‌پژوهان منصف پوشیده نیست؛ زیرا علی علیه السلام همدم دیرین و همراز پیامبر و وارث دانش و دروازه شهر علم محمد صلی الله علیه و آله آن گرامی می‌باشد. اگر او به دستور پیامبر و از زمان نزول وحی تا هنگامه وفات آن حضرت، قرآن را گردآوری کند، با قرآنی که دیگر صحابه پس از وفات آن حضرت هرچند با حضور هلی علیه السلام از نظر صوری و ظاهری گردآوری کنند، تفاوت آشکار و تردید‌ناپذیری دارد.

قرآن‌پژوهان پاره‌ای از ویژگیهای مصحف امام را بر شمرده‌اند که اینک به آن اشاره می‌کنیم و آن گاه چند محور از مجموعه آن ویژگیها را ارزیابی خواهیم کرد:

۱ - چونان که یاد شد، قرآن علی به ترتیب نزول سوره‌ها گردآمده بود. از این‌رو دور نمی‌نماید که مصحف نیز شرح صحیح و همراه با واقعیت از تاریخ اسلام و بیان وقایع و حوادثی که در نزول سوره‌ها و آیه‌های قرآن نقش داشتند،

این نکته را تنزیل آیه‌ها نامیده‌اند.

۷ - نامهای اهل حق و باطل و اوصاف و ویژگیهای آنان و نیز اوصاف پست و پلید منافقان و پلشتیها و رسواییهای بعضی از مهاجران و انصار در آن آورده شده است.

۸ - مصحف امام علی علیه السلام دارای متن و حواشی بسوژه است. شهرستانی در مقدمه مفاتیح الاسرار می‌نویسد:

«مصحف امام علی علیه السلام دارای متن و حواشی بوده است.»^۱

پوخی از ویژگیهای یاد شده را اندیشه‌وران در منابع زیر بیان کرده‌اند:

۱ - مرحوم شیخ مفیده، اوایل المقالات، ص ۵۵ و المسائل السرویه، ص ۱۷۹؛

۲ - محمدحسن آشتیانی، قم، مکتبه آیت‌الله نجفی مؤعشی، ص ۲۲؛

۳ - مرحوم آیت‌الله العظمی خویی، البیان، ص ۲۲۲؛

۴ - عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، المراجعات، ص ۱۲؛

۵ - محمدهادی معرفت، التمهید، ج ۱، ص ۲۹۲؛

۶ - سیدجعفر مرتضی عاملی، حقایق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۶۰ - ۱۶۹.

اینک در ادامه این نوشتار، پاره‌ای از ویژگیهای یادشده را اندکی به تفصیل ارزیابی می‌کنیم:

۱ - ایجاد یقین و بازدارندگی از نفاق

محدثان از پیدایش اختلاف در گونه

«قرائتهای قرآن کریم» در میان صحابه پیامبر خبر داده‌اند؛ اختلافی که اگر از آن جلوگیری به عمل نمی‌آمد، امت اسلامی را به دسته‌های گوناگون، پراکنده ساخته و آثار اثرتداد و بازگشت از دین خدا را در میان این امت نمایان می‌ساخت.

در صحیح بخاری، روایتی نقل شده که این‌ندیم در ضمن نقل آن را تلقی به قبول و تأیید کرده است:

«ابراهیم به من حدیث کرد و گفت: ابن شهاب از انس بن مالک روایت کرد [چون] حذیفه بن یمان، صحابی جلیل القدر پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح ارمستان و آذربایجان از عراق برگشت و اهل شام و عراق را در نبرد و جنگ [در مورد قرائت قرآن] دیده بود در نزد عثمان فریاد برآورد و گفت: یا امیرالمؤمنین! امت اسلامی را دریاب قبل از آن‌که در کتاب الهی چون یهود و نصارا اختلاف پیدا کنند. آن‌گاه عثمان به حفصه [همسر پیامبر] قاصدی فرستاد که قرآنهایت را نزد من بفرست و بعد به تو پس می‌دهیم...»^۲

سیدابن طاووس در مورد اختلاف امت در قرائتهای گردآوری شده در زمان ابوبکر، به نقل از کتاب ابوجعفر محمد بن منصور و روایت محمد بن زید بن مروان گوید:

«زید بن ثابت در زمان ابی بکر، قرآن را جمع کرده بود، ولی ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود

۱ - تاریخ القرآن، ص ۷۳.

۲ - الفهرست، ص ۳۷، به نقل از: صحیح بخاری و تاریخ القرآن، ص ۷۲.

وسالم مولای ابوحنیفه با آن مخالفت می‌ورزیدند. آن‌گاه عثمان جمع آن را از سر گرفت و به رأی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب جمع شد...^۱

محمد بن عبدالکریم شهرستانی در مقدمه تفسیرش به نام مفاتیح الأسرار و مفاتیح الأبرار نیز این مطلب را با سند متقن یاد کرده، گوید: «سوید بن علقمه گوید: من خود شنیدم که علی بن ابی طالب علیه السلام مردم را مخاطب قرار داده و می‌فرمود: ای مردم، خدا را خدا را! از غلو در مورد عثمان، و این سختتان که وی سوزاننده قرآن‌هاست. به خدا سوگند این کار را نکرد، مگر با مشهورت جمعی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله. ما را بگرد آورد و گفت: در مورد این قرائتی که مردم دوباره آن اختلاف کردند، چه می‌گویید. چون مردی دیگری را ببیند، می‌گوید: قرآن من از قرآن تو بهتر است و این به کفر می‌انجامد. پس ما گفتیم: رأی تو چیست؟ عثمان گفت: من می‌خواهم همه مردم را بر یک مصحف گرد آوردم؛ زیرا اگر امروز اختلاف کردید، در آینده اختلاف شما بیشتر خواهد شد. گفتیم: نظر خوبی است...»^۲

این روایت بروشنی روایت سیدابن طاووس را تأیید می‌کند. از روایتهای گذشته و دهها روایت دیگر از شیعه و سنی در این زمینه که مجال و نیازی برای نقل آنها نیست، روشن می‌گردد که در زمان خلافت ابوبکر و عمر و اوائل خلافت عثمان، مصاحف مختلف موجود

نزد صحابه، از نگاه نحوه قرائت و پاره‌ای از جزئیات، اختلاف فاحشی را میان مسلمانان به وجود آورد. و اگر نبود که در عهد عثمان با حضور امیرمؤمنان و شرکت تنی چند از صحابه و برابری نسخه‌های متعدد قرآنی موجود نزد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله همه امت در محور یک قرآن گرد نمی‌آمدند، معلوم نبود که سرنوشت مسلمانها به کجا می‌انجامید.

ولی از همان روزهای نخست خلافت ابوبکر اگر اجازه داده می‌شد که همه مردم در محور «مصحف امام علی علیه السلام» گرد می‌آمدند، دیگر هرگز آن اختلافها پدید نمی‌آمد؛ زیرا گذشته از این که آن مصحف با قرائت و املائی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نگارش یافته بود، علی علیه السلام از سوی تک تک یاران پیامبر خدا به اعلم بودن، وراثت دانش پیامبر، دوری از هوای نفس و پرهیز از تمایلات شخصی پذیرفته شده بود و فریاد رسول الله بر «بیوند جاودانه و ناگسستنی بین علی و قرآن» هنوز در گوش جان همه آنان طنین انداز بود.

گذشته از آن، علی علیه السلام از منظر جمعی از نزدیکان خالص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که با الهام از اندیشه آن گرامی خط سرخ تشیع را بنیان نهادند، معصوم از نسیان و اشتباه و خطاهای عمدی و

۱ - تاریخ القرآن، ص ۷۴.

۲ - محمد بن عبدالکریم شهرستانی، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، تحقیق محمد علی آذرشب، دفتر نشر میراث مکتوب، ج ۱، ص ۱۱۸.

سهوی و پاکیزه و تطهیر یافته از هرگناه و پلیدی شناخته شده بود.

بدین سان با توجه به اطمینان و یقین امت اسلامی به شخصیت و مقام الای علمی و معنوی امام علی علیه السلام اگر مصحف گردآوری شده توسط آن امام همام سرلوحه زندگی دینی و دنیایی مردم قرار می گرفت، کمترین شک و شبهه‌ای در میان امت در جزئیات مربوط به لغات و قراءات قرآن کریم پیش نمی آمد.

از روایت‌های پیشین این حقیقت نیز آشکار گردید که گردآوری قرآن در زمان عثمان و پذیرش آن از سوی عامه مردم و دست برداشتن صاحبان قرائت‌های گوناگون از قرائت دلخواه خود همه و همه با دخالت و شرکت و بلکه تدبیر امیرمؤمنان صورت گرفت.

۲- آگاهی بخشیدن به همه رموز قرآن و جلوگیری مردم از انحراف

پوشیده نیست که قرآن، زوایا و خصوصیات زیادی دارد. قرآن دارای ظاهر و باطن، مطلق و مقید، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و... است که همه کس به همه زوایای قرآن راه ندارد؛ چنان که قرآن خود می فرماید:

«متشابهات قرآن را، جز راسخون در علم کس دیگر نداند» (آل عمران / ۸)

ناآگاهی از رموز و زوایای مختلف قرآن و پوشیده ماندن اسرار ناگفته قرآن برای مسلمانان، موجب شد که مذاهب مختلف کلامی و فقهی، مشربها و اندیشه‌های گوناگون اعتقادی که به

تشتت و پراکندگی امت واحده اسلامی انجامید، در جهان اسلام رخ نماید؛ زیرا به دلیل دست نیافتن به متشابهات و ناسخ و منسوخ و بطون قرآن، عالمان آیات قرآن را بر اساس سلیقه خود تفسیر می کردند و این تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای سبب پیدایش تفکر جدید یا احیاناً انحراف از خود قرآن می شد.

گردآوری قرآن در زمان عثمان و پذیرش آن از سوی عامه مردم و دست برداشتن صاحبان قرائت‌های گوناگون از قرائت دلخواه خود همه و همه با دخالت و شرکت و بلکه تدبیر امیرمؤمنان صورت گرفت.

علی بن ابی طالب علیه السلام تنها کسی بود که به تمام اوصاف، رموز، حقایق، تأویل، تفسیر، تنزیل، ناسخ و منسوخ و متشابهات قرآن، آگاهی کامل داشت؛ چنان که نمونه‌هایی از روایت‌های شیعه و سنی در این باره بیشتر بیان شد.

محدثان شیعه و سنی با اتفاق نظر می گویند: «مصحف علی علیه السلام دارای تأویل، تفسیر، تنزیل، ناسخ و منسوخ و متشابهات و... بود.»

هرچند این حقیقت، از روایت‌های مزبور روشن شده، ولی شایسته است که به طور اجمال به برخی از گفته‌های فریقین در این مورد اشاره شود.

جلال‌الدین سیوطی در کتاب الاتقان به طریق خود از ابن «أُثْتَه» روایتی دارد که وی در کتاب مصاحف به نقل از ابن سیرین در مورد مصحف علی چنین گوید:

«علی در مصحف خودش ناسخ و منسوخ را نوشته بود... من (ابن سیرین)، آن مصحف را طلبیدم و خواستم از روی آن برای مردم مدینه بنویسم، از توأم خارج بود.»^۱

اظهار ابن سیرین کنایه از بزرگی آن است؛ یعنی همه علوم قرآن در آن گردآوری شده بود. محدث ابو عمر یوسف بن عبدالله در کتاب الاستیعاب که در حاشیه الاصابه چاپ شده است، در روایت مسندی از ابن سیرین گوید:

«... اگر قرآن علی رضی الله عنه در دسترس مسلمانان می بود، علم زیادی در آن یافته می شد.»^۲

همچنین ابن سعد در طبقات الکبری در روایت مسندی از محمد، عین عبارات مذکور را یاد می کند.

این متن فشرده و کوتاه که از دو منبع عامه و به دو طریق بیان شد، این حقیقت را نمودار می سازد که همه علوم قرآن در مصحف علی رضی الله عنه نوشته شده بود.

سلیم بن قیس هلالی در کتاب خود می گوید: «چون علی رضی الله عنه قرآن را جمع کرد به دست خودش، تنزیل، تأویل، ناسخ و منسوخ آن را نوشت.»^۳

در این مورد، نیاز به بسط کلام بیش از این نخواهد بود و این حقیقت بر کسی پوشیده

نیست و دلایل و شواهد، به حد کافی در این زمینه وجود دارد.

نتیجه‌ای که از بحث یادشده می‌گیریم، این است که اگر قرآن علی رضی الله عنه در دست مسلمانان بود، امروز هیچ بعدی از ابعاد قرآن، بر کسی ناپیدا نمی‌ماند و در نتیجه قرآن خود موجب پیدایش مذهبها و اندیشه‌های گوناگون نمی‌شد.

سرنوشت مصحف امام علی رضی الله عنه

پس از اثبات این حقیقت که اولین قرآن گردآوری شده و نگارش یافته در اسلام قرآنی است که امیرمؤمنان رضی الله عنه نگارش آن را همزمان با آغاز نزول وحی به دستور پیامبر شروع کرد و تألیف آن را در مدت کوتاهی پس از ارتحال آن حضرت به پایان رسانید، پرسش دیگری رخ می‌نماید، و آن این که مصحف گردآوری شده امیرمؤمنان به چه سرنوشتی گرفتار آمد؟ آیا امت اسلامی آن را پذیرفت؟ و اگر نپذیرفت، فرجام آن چه شد؟

حقیقتی که بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست، این است که آن مصحف از سوی زمامداران وقت و دستگاه خلافت پذیرفته نشد. البته محدثان اهل سنت از رد شدن مصحف علی رضی الله عنه توسط دستگاه خلافت هیچ سخنی به میان نیاورده و سکوت اختیار کرده‌اند، ولی حقیقت آن است که

۱ - الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲ - الاستیعاب، حاشیه الاصابه، ج ۲، ص ۲۵۳.

۳ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۵۲، به نقل از سلیم بن قیس.

مصحف در آن روزگار پذیرفته نشد وگرنه امروز باید در مجامع امت اسلامی حضور می داشت. محدثان شیعه نیز به این حقیقت تصریح کرده و اظهار داشته اند که علی علیه السلام پس از گردآوری قرآن، خود، آن را در مسجد پیامبر نزد خلیفه و سایر مسلمانان عرضه کرد و گفت: در مدتی که من به مسجد حاضر نمی شدم، مشغول گردآوری قرآن بودم و اینک آن را در محضر شما آورده ام. ولی عمر پاسخ رد داد و گفت: ما به قرآن تو نیازی نداریم.

اکنون به چند روایت شیعه در این باب اشاره می کنیم:

سلیم بن قیس هلالی که خود از صحابه پیامبر و یاران علی علیه السلام است، در کتاب خود به نام کتاب سلیم بن قیس، روایتی را که ما از طبرسی در کتاب احتجاج نقل کردیم، به طور تمام و کمال و با عبارات همسان ذکر کرده و تتمه ای را نیز یادآور شده است که نقل می کنیم:

«... آن گاه [بعد از ارائه قرآن جمع شده] امام به مردم فرمود: من بدین جهت این قرآن را به شما عرضه کردم که فردای قیامت نگویید ما از آن غافل بودیم.

آن گاه فرمود: در روز قیامت نگویید که من از شما طلب یاری نکردم و حقم را به شما یادآور نشدم و شما را به کتاب الهی از فاتحه آن تا خاتمه آن دعوت نکردم.

آن گاه عمر گفت: ما بی نیازیم و ما قرآنی را که تو به آن دعوت کردی، با خود داریم. سپس علی

به خانه خود برگشت.^۱

بعضی از محدثان گویند:

«علی سوگند یاد کرد که ردا بر دوش نگیرد جز برای نماز، تا آن که قرآن را جمع کند و گرد آورد. پس مدتی از آنان دوری گزید تا آن را گرد آورد. آن گاه نزد ایشان آمد و قرآن را در جامه ای به همراه آورد و ایشان در مسجد بودند. پس همه از دیدن ایشان پس از آن همه وقت در شگفتی شدند. چون به میان آنان رسید، کتاب را در پیش آنان نهاد و فرمود: پیامبر فرموده است: "من در میان شما چیزی را جانشین خود می سازم و اگر به آن تمسک کنید، گمراه نخواهید شد و آن کتاب خدا و عترت من، اهل بیت من است."

اینک این کتاب است و من عترتم. سپس عمر برخاست و گفت: اگر تو قرآن داری ما نیز مانند آن را داریم. پس علی آن را برداشت و پس از اتمام حجت بر ایشان با خود بازگردانید.^۲

از ظاهر امر و نیز روایتهای یادشده شیعی این حقیقت آشکار می گردد که مصحف علی در آن روز پذیرفته نشد. بنابراین، این پرسش مطرح می شود که آیا مصحف امام علی علیه السلام از میان رفت؟ یا به دست فراموشی سپرده شد؟ یا این که تا به امروز موجود است؟ اگر چنین است، در کجا و در دست چه کسی نگهداری می شود؟

۱ - سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۲

۲ - ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۹-۴۵

در پاسخ به این پرسش از سوی صاحب‌نظران، آرای متفاوتی ابراز شده است. برخی از آنان اظهار بی‌خبری کرده‌اند و برخی دیگر آن را نزد فرزندان امام حسن مجتبی دانسته‌اند و برخی دیگر آن را نزد فرزندان جعفر یاد کرده‌اند.

اکنون پس از نگرش به دسته‌ای از روایتهای متفاوت، به سرنوشت آن مصحف از منظر صاحب‌نظران شیعی خواهیم پرداخت.

ابن سعد در طبقات الکبری در روایتی از ابن‌عون می‌گوید:

«من [ابن‌عون] از عکرمه پرسیدم: قرآن علی علیه السلام کجا شد؟ در جواب گفتم: من در این مورد، چیزی نمی‌دانم.»^۱

دسته‌ای از علما می‌گویند: قرآن علی علیه السلام نزد فرزندان حسن به ارث مانده است؛ چنان که ابن‌منادی در روایتی گوید:

«من در زمان خودم نزد ابویعلی حمزه حسنی رحمة الله علیه السلام قرآنی را به خط علی بن ابی طالب علیه السلام دیدم که چند ورق آن افتاده بود به مرور زمان، فرزندان حسن آن را به ارث بردند و ترتیب سوره‌های آن، این است...»^۲

و نیز ابن‌منادی گوید:

«حسن بن عباس برای من نقل کرد که وی از عبدالرحمان بن ابی حماد، و او از حکم بن ظهیر سدوسی و او از عبدالخیر از علی علیه السلام شنیده است که در وقت رحلت پیامبر در مردم حالت تشائم و بدبینی مشاهده می‌نماید. از این جهت سوگند یاد می‌کند که جامه از تن برنگیرد مگر

پس از گردآوری قرآن، و به همین منظور سه روز در خانه نشست و به گردآوری قرآن پرداخت. و او اول کسی است که از حافظه خود قرآن را گردآوری کرد و آن قرآن در خاندان جعفر نگهداری شد. و من نزد ابویعلی حمزه حسنی علیه السلام قرآنی به خط علی بن ابی طالب دیدم که چند ورق آن افتاده بود و آن قرآن در خاندان حسن به توارث مانده بود و ترتیب سوره‌های آن چنین است...»^۳

ابن ندیم می‌نویسد:

«علی پس از وفات پیامبر از مردمان بی‌وفایی دید، پس سوگند یاد کرد که عبا بر دوش نگیرد تا قرآن را گرد آورد. پس سه روز در خانه نشست تا آن را فراهم آورد و بدین سان این نخستین مصحف است که آن را از سینه خود نوشته است و این مصحف نزد فرزندان جعفر است.»^۴

چنان که می‌بینید، این روایتهای که از سوی محدثان و قرآن‌پژوهان اهل سنت وارد شده، در جایگاه نهایی قرآن گردآوری شده توسط علی کاملاً متفاوت است. ابن ندیم آن قرآن را نزد فرزندان جعفر یاد کرده و ابن‌منادی در یک روایت خود نزد فرزندان حسن و در روایتی دیگر با ابن‌عون و تزلون فراوانی از نگهداری آن نزد

۱- طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲- النهرست، ص ۲۷، به نقل از ابن‌منادی.

۳- همان، ص ۴۷.

۴- همان، ص ۴۱-۴۲.

فرزندان جعفر و حسن سخن به میان آورده است. پس اکنون باید دید که محققان شیعه در این زمینه چه باوری دارند.

اعتقاد شیعه امامیه این است: «مصحف علی علیه السلام فقط نزد امام معصوم نگهداری می شود» و در نهایت در دست حضرت قائم (عج) قرار گرفته و آن حضرت بعد از قیامش مردم را به آن فرا می خواند و مسلمانان بدان عمل خواهند کرد. روایتهای فراوانی به اسانید و طرق مختلف از ائمه معصومین علیهم السلام در این باره رسیده که دو مورد از آن روایتها را برگزیده، یاد می کنیم.

مجلسی در کتاب بحار الانوار، روایت مفصلی را از ابوذر نقل می کند که قسمتهایی از آن را یادآور می شویم:

«چون پیامبر وفات کرد، علی علیه السلام قرآن را گردآوری کرد و در مجمع مهاجر و انصار حضور یافت و قرآن خود را به آنان معرفی کرد؛ زیرا پیامبر به این امر وصیت کرده بود... عمر نزد علی علیه السلام آمد و گفت: یا علی قرآنت را برگردان، نزد خودت باشد. ما را به آن نیازی نیست...»

چون عمر به خلافت رسید، از علی خواست قرآنی را که گردآوری کرده به آنان دهد تا بین خودشان بسوزانند و گفت: یا علی! قرآنی را که گردآوری کردی و نزد ابوبکر بردی، برای ما بیاور تا در اطراف آن جمع شویم.

علی علیه السلام گفت: هیئات! شما را به آن راهی نیست. من آن قرآن را که نزد ابوبکر بردم، به خاطر این بود که حجت بر شما تمام شود و روز

قیامت نگویید که ما از آن غافل بودیم، یا نگویید که به ما عرضه نکردی. همانا قرآنی که نزد من است، جز پاکان و اوصیاء از فرزندان من، دست کس دیگر به آن نرسد.

عمر گفت: آیا زمان معلومی برای اظهار آن است؟

علی علیه السلام گفت: بله. زمانی که حجت قائم از فرزندان من قیام کند، آن قرآن را ظاهر می کند و مردم را در اطراف آن گرد می آورد و سنت الهی را بر اسباب آن، جاری می کند.»^۱

محمد بن حسن بن فروخ صفار از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در کتاب خود به نام بصائر الدرجات روایت صحیحهای را با سند معتبر، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که متن و ترجمه آن را یاد می کنیم:

«جدتنا محمد بن الحسین عن عبد الرحمن ابن نجران عن هاشم عن سالم بن ابي سلمة قال قرأ رجل علی ابو عبدالله علیه السلام و انا اسمع. حروفاً من القرآن لیس علی ما یقرأها الناس فقال ابو عبدالله علیه السلام: سه سه کف عن هذه القراءة لقرأ كما یقرأ الناس حتی یقوم القائم، فاذا قام فقرأ کتاب الله علی حدّه و اخرج المصحف الذی کتبه علی علیه السلام و قال اخرجہ علی علیه السلام الی الناس حیث فرغ منه و کتب فقال لهم هذا کتاب الله كما انزل الله علی محمد و قد جمعنا بین اللوحین. قالوا هذا عندنا مصحف جامع فیه القرآن، لا حاجة لنا

۱ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۲ - ۴۳.

فیه. قال: اما والله لا ترونه بعد یومکم هذا ابداً،
انما کان علیّ ان اخبرکم به حین جمعتہ
لتقروؤہ»^۱

«محمد بن حسین، از عبدالرحمان بن نجران
از هاشم، از سالم بن ابی سلمه، به من روایت کرد
و گفت: مردی نزد امام صادق علیه السلام قرائت قرآن
می کرد و من حرفی از قرآن را می شنیدم. آن
قرائت هیچ شباهتی به قرائت مردم دیگر نداشت.

**مصحف گردآوری شده توسط
علی علیه السلام در محضر امام بعد از
خودش قرار گرفته و آن امام به امام
معصوم دیگر منتقل کرده و سرانجام
نزد مهدی (عج) نگهداری می شود.**

امام صادق علیه السلام فرمود: ساکت! ساکت!
دست بردار از این قرائت! تا قائم (عج) قیام نکرده
است، مثل مردم دیگر، قرائت کن. چون قائم
(عج) قیام کند، کتاب خدا را در حدّ خودش
قرائت کند و مصحفی را که علی علیه السلام نوشته بود،
در بین مردم بیرون کند و بگوید: چون علی علیه السلام از
نوشتن آن فارغ شد، آن را در بین مردم بیرون کرد
و به مردم فرمود: این کتاب الهی است، همان
طور که بر محمد نازل شد و من بین دو لوح آن را
گردآوری کردم. مردم گفتند: نزد ما مصحفی است
که قرآن در آن گردآوری شده و ما را نیازی به
مصحف تو نیست.

حضرت فرمود: به خداوند سوگند، بعد از
این روز، آن را هرگز نخواهید دید و بر من واجب
بود که بعد از گردآوری آن به شما خبر دهم تا
شما آن را قرائت کنید.»

از دو روایت یاد شده و دهها روایت دیگر که
در متون و کتابهای معتبر شیعه در این باره نقل
شده اند، بخوبی به دست می آید که مصحف
گردآوری شده توسط علی علیه السلام در محضر امام بعد
از خودش قرار گرفته و آن امام به امام معصوم
دیگر منتقل کرده و سرانجام نزد مهدی (عج)
نگهداری می شود و بعد از قیام ایشان آن قرآن،
محور اجتماع مردم قرار گرفته، و سنت الهی و
احکام او، توسط حضرت قائم بر اساس آن،
جاری می شود؛ به امید آن روز. ■

۱ - بصائرالدرجات، ج ۳، ص ۱۹۳.